



مرکز آموزش مدیریت دولتی
معاونت پژوهشی

نوع گزارش: گزارش سیاستی

عنوان گزارش:

تقویت تاب آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت های پیام نوروبی (۱۴۰۵)
رهبری

اردیبهشت ماه ۱۴۰۵





شناسه:

عنوان: تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) رهبری

معاونت: پژوهشی

تهیه کننده: مسین تدین

ناظر علمی: معاونت پژوهشی

شماره گزارش: ۶۲

تاریخ ارائه: اردیبهشت ۱۴۰۵

فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی	۵
مقدمه	۶
ماهیت چندلایه بحران ها	۶
تاب‌آوری اجتماعی؛ ضرورت راهبردی حکمرانی	۷
پیام نوروژی به‌عنوان سند ظرفیت‌ساز نرم	۸
یافته‌ها: شش مؤلفه اصلی تاب‌آوری قابل استخراج از متن	۹
۱. معناسازی و امید	۹
۲. انسجام اجتماعی	۱۰
۳. مدیریت روایت و اطلاعات	۱۰
۴. تاب‌آوری اقتصادی	۱۱
۵. مشارکت اجتماعی و داوطلبی	۱۱
۶. همکاری منطقه‌ای	۱۲
توصیه‌های سیاستی	۱۳
۱. راهبرد «امنیت روانی»	۱۳
۲. سیاست تقویت انسجام اجتماعی	۱۳
۳. مدیریت روایت و اطلاع‌رسانی	۱۴
۴. تاب‌آوری اقتصادی جامعه	۱۵
۵. تقویت مشارکت اجتماعی	۱۵
۶. همکاری منطقه‌ای برای کاهش تنش و ایجاد ثبات	۱۵
کاربردها و دلالت‌های سیاستی گزارش برای سازمان اداری و استخدامی کشور	۱۶
۱. تاب‌آوری اجتماعی از مسیر تاب‌آوری اداری	۱۶
۲. مدیریت سرمایه انسانی به‌مثابه ستون امنیت روانی	۱۶
۳. ضرورت آموزش مدیران در حوزه مدیریت بحران و روایت	۱۷
۴. بازنگری در ساختارهای بوروکراتیک برای افزایش چابکی	۱۷
۵. استقرار نظام ارزیابی مبتنی بر شاخص‌های تاب‌آوری	۱۷
۶. تقویت سرمایه اجتماعی درون‌سازمانی	۱۸
۷. پیوند اصلاحات اداری با اعتماد عمومی	۱۸
۸. نهادینه‌سازی «رویکرد تاب‌آوری» در اصلاحات اداری	۱۸
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۱۹
منابع	۲۰

این گزارش سیاستی با هدف ارائه‌ی چارچوبی عملی برای تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران تدوین شده است و مبنای تحلیلی آن، پیام نوروزی مقام معظم رهبری به‌عنوان یک سند الهام‌بخش در حوزه‌ی مدیریت اجتماعی و اخلاقی است. این پیام، با تمرکز بر امید، معنا، وحدت و مسئولیت‌پذیری، بنیان‌های فکری و فرهنگی لازم برای عبور از بحران‌ها را در خود دارد و می‌تواند به عنوان دستورکار نرم سراسری برای مواجهه انعطاف‌پذیر جامعه با تهدیدات گوناگون تفسیر شود. بحران‌های نوین، از جنس ترکیبی و چندلایه هستند؛ از فشارهای اقتصادی و چالش‌های معیشتی گرفته تا تحولات اجتماعی، روانی و زیست‌محیطی. در چنین شرایطی، تاب‌آوری اجتماعی دیگر صرفاً یک مفهوم نظری نیست بلکه به‌معنای توانایی جامعه در جذب تکان‌ها، حفظ کارکردهای حیاتی و بازسازی خود پس از بحران است. تجربه‌ی جهانی نشان داده است که جوامعی با سطح بالای سرمایه اجتماعی، اعتماد، انسجام و روایت مثبت از خود هم در شرایط سخت‌تر پایدار مانده‌اند و هم سریع‌تر به مسیر رشد بازگشته‌اند. تحلیل پیام نوروزی نشان می‌دهد که در متن رهبری، هرچند به‌ظاهر خطاب به عموم مردم است، ولی در عمق آن مجموعه‌ای از مؤلفه‌های راهبردی در جهت تاب‌آوری ملی وجود دارد؛ مؤلفه‌هایی که اگر به زبان سیاست عمومی ترجمه شوند، به شاخص‌های عملیاتی برای نهادهای اجرایی، فرهنگی و آموزشی تبدیل شوند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

-معناسازی و امید - ایجاد چارچوب معنوی برای رنج و بحران و حفظ امید اجتماعی، به‌عنوان نخستین گام برای جلوگیری از فرسایش روانی جامعه. این بخش، بر تقویت اعتماد به آینده تأکید دارد؛ آینده‌ای که مردم در ساختنش سهیم‌اند نه صرفاً منتظر تصمیمات بالا.

-انسجام اجتماعی - بازآفرینی حس تعلق، وحدت فرهنگی و همبستگی درونی میان اقشار مختلف. انسجام نه به‌عنوان شعار، بلکه به‌مثابه ضرورت مدیریتی برای حفظ کارکرد جامعه در شرایط سخت.

-مدیریت روایت و اطلاعات - مقابله هوشمندانه با جریان‌های منفی در فضای رسانه‌ای و تولید روایت‌های مثبت و واقعی از دستاوردها و ظرفیت‌ها. حفظ آرامش روانی عمومی، بدون کنترل روایت‌ها و اطلاعات ممکن نیست.

-تاب‌آوری اقتصادی - توجه به زیست روزمره مردم، معیشت، عدالت اقتصادی و بهره‌گیری از خرد جمعی برای اصلاح ساختارهای اقتصادی. جامعه‌ای که احساس کند صدایش شنیده می‌شود، آمادگی بیشتری برای تحمل بحران دارد.

-تقویت سرمایه اجتماعی مشارکتی - گسترش مشارکت داوطلبانه در حل مسائل محلی و ملی؛ شکل‌دهی به شبکه‌های مردمی خلاق و خودیاری که می‌توانند در شرایط بحران، مسئولانه وارد عمل شوند. تاب‌آوری نه صرفاً در دولت، بلکه در مردم شکل می‌گیرد.

-همکاری منطقه‌ای برای کاهش ریسک - ضرورت توسعه روابط همسایگی مسئولانه برای کاهش فشارهای محیطی، اقتصادی و روانی. در دنیای به‌هم‌پیوسته امروز، تاب‌آوری یک کشور وابسته به پایداری محیط پیرامونی آن است.

این گزارش سیاستی، بر پایه‌ی این مؤلفه‌ها، توصیه‌هایی عملی برای سیاست‌گذاران و مدیران کشور ارائه می‌دهد؛ از جمله طراحی راهبردهای ارتباطی مبتنی بر امید، اصلاح ساختارهای اقتصادی با نظر مردم، نظام آموزش رسانه‌ای، حمایت از نهادهای داوطلبی، و ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای مدیریت بحران. در نهایت، این گزارش تأکید دارد که تاب‌آوری ملی یک پروژه صرفاً فنی نیست، بلکه یک سرمایه فرهنگی و اخلاقی است. هنگامی که امید، معنا، انسجام و مشارکت در تار و پود سیاست‌های کشور جریان پیدا کند، جامعه نه‌تنها در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر می‌شود، بلکه توان بازسازی و رشد درون‌زا را نیز به دست می‌آورد. هدف این گزارش، ارائه‌ی مسیر کاربردی برای تحقق همین چشم‌انداز است.

مقدمه

جامعه ایران در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با بسیاری از جوامع دیگر، با مجموعه‌ای از بحران‌های پیچیده و درهم‌تنیده مواجه بوده است؛ بحران‌هایی که ماهیتی «چندلایه» و «ترکیبی» دارند و مرزهای سنتی میان حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و روانی را درنور دیده‌اند. ادبیات جدید مدیریت بحران و حکمرانی پیچیدگی نشان می‌دهد که در جهان معاصر، شوک‌ها به‌ندرت به‌صورت منفرد رخ می‌دهند، بلکه غالباً به‌صورت زنجیره‌ای و تقویت‌کننده یکدیگر ظاهر می‌شوند (Gallopın, 2006 ; OECD, 2014). در چنین شرایطی، ظرفیت نظام‌های اجتماعی برای جذب، تطبیق و بازسازی، به عاملی تعیین‌کننده در پایداری ملی تبدیل می‌شود (Folke, 2006).

ماهیت چندلایه بحران‌ها

۱. بحران‌های امنیتی و تأثیرات غیرمستقیم اجتماعی: تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توانند از طریق افزایش نااطمینانی، تغییر اولویت‌های تخصیص منابع و ایجاد فشار روانی، بر ساختارهای داخلی اثرگذار باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی و منطقه‌ای می‌توانند به تضعیف سرمایه‌گذاری، افزایش اضطراب اجتماعی و فشار بر نظام‌های رفاهی منجر شوند (OECD, 2017) این شرایط، حتی بدون ورود به تحلیل سیاسی، بر ادراک عمومی از ثبات و امنیت اثر می‌گذارد و بخشی از بستر آسیب‌پذیری اجتماعی را شکل می‌دهد.

۲. بحران‌های اقتصادی و تضعیف تاب‌آوری معیشتی: شوک‌های اقتصادی نظیر تورم بالا، نوسانات ارزی، رکود و اختلال در زنجیره‌های تأمین، از مهم‌ترین عوامل تضعیف‌کننده تاب‌آوری اجتماعی محسوب می‌شوند. ادبیات تاب‌آوری اقتصادی تأکید می‌کند که توان مناطق و جوامع در جذب و بازیابی از شوک‌های اقتصادی، وابسته به تنوع ساختار اقتصادی، سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت حکمرانی است (Martin & Sunley, 2015) همچنین، مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» به‌معنای توانایی حفظ عملکردهای اصلی تولید، اشتغال و تأمین کالاهای اساسی در برابر تکانه‌ها تعریف شده است (Hallegatte, 2014). . تداوم فشارهای معیشتی می‌تواند به فرسایش طبقه متوسط، افزایش نابرابری و کاهش اعتماد عمومی منجر شود (Fukuyama, 1995).

۳. بحران‌های اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی: گسست‌های اجتماعی، کاهش اعتماد نهادی و بین‌فردی، و افزایش نابرابری‌ها از مهم‌ترین چالش‌های جوامع در شرایط بحران‌های ممتد هستند. پژوهش‌های کلاسیک در حوزه سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که کاهش شبکه‌های ارتباطی و اعتماد عمومی، توان جامعه برای اقدام جمعی و حل مسئله را کاهش می‌دهد (Putnam, 2000). انسجام اجتماعی، به‌عنوان درجه‌ای از همبستگی، اعتماد و احساس تعلق مشترک، یکی از پیش‌نیازهای تاب‌آوری در برابر بحران‌های بیرونی است (Chan et al., 2006). از این منظر، بحران‌های اقتصادی و روانی می‌توانند به‌صورت مضاعف انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند.

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروبی (۱۴۰۵) رهبری

۴. بحران‌های زیست‌محیطی و فشار بر زیرساخت‌های حیاتی: تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های گسترده، کمبود منابع آب و آلودگی هوا از جمله چالش‌هایی هستند که مستقیماً معیشت، سلامت و امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. گزارش‌های علمی بین‌المللی تأکید دارند که تغییرات اقلیمی، ریسک‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید کرده و آسیب‌پذیری جوامع را افزایش می‌دهد (IPCC, 2022). مطالعات مرتبط با ایران نیز نشان می‌دهد که مدیریت منابع آب و تداوم خشکسالی‌ها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای توسعه پایدار و ثبات اجتماعی داشته باشد (Madani, 2014). پیوند میان سیستم‌های اکولوژیک و اجتماعی، محور اصلی نظریه تاب‌آوری اجتماعی-زیست‌محیطی است (Folke, 2006).

۵. بحران‌های روانی و فرسودگی جمعی: انباشت فشارهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌تواند به افزایش اضطراب، ناامیدی و فرسودگی روانی در سطح جامعه منجر شود. نظریه «حفظ منابع» بیان می‌کند که از دست رفتن مستمر منابع اقتصادی و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل استرس جمعی است (Hobfoll, 2001). سازمان جهانی بهداشت نیز تأکید دارد که بحران‌های طولانی‌مدت، اگر با مداخلات حمایتی همراه نباشند، می‌توانند به آسیب‌های گسترده سلامت روان منجر شوند (WHO, 2013). سلامت روان، به‌عنوان زیرساخت تاب‌آوری فردی و اجتماعی، نقشی کلیدی در توان جامعه برای مواجهه با شوک‌های بعدی دارد (Bonanno, 2004).

تاب‌آوری اجتماعی؛ ضرورت راهبردی حکمرانی

در چنین بستر پیچیده‌ای، مفهوم «تاب‌آوری اجتماعی» از یک مفهوم نظری به یک ضرورت راهبردی در حکمرانی تبدیل می‌شود. تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت جامعه برای جذب تکان‌ها، حفظ کارکردهای حیاتی و بازیابی و سازگاری پس از بحران اشاره دارد (Walker et al., 2004).

۱. توانایی جذب تکان‌ها (Absorptive Capacity): این مؤلفه به میزان مقاومت جامعه در برابر شوک‌های اولیه اشاره دارد. وجود نهادهای منعطف، شبکه‌های حمایتی و زیرساخت‌های آماده می‌تواند از فروپاشی کارکردها جلوگیری کند (Adger, 2000).

۲. حفظ کارکردهای حیاتی (Maintenance of Essential Functions): در شرایط بحران، تداوم تأمین غذا، انرژی، خدمات سلامت و امنیت اهمیت اساسی دارد. چارچوب سندای برای کاهش خطر بلایا نیز بر حفظ خدمات حیاتی به‌عنوان رکن اصلی تاب‌آوری ملی تأکید می‌کند (UNDRR, 2015).

۳. توانایی بازیابی و بازسازی (Recovery & Reconstruction): مرحله بازیابی شامل ترمیم خسارات، بازسازی سرمایه اجتماعی و اصلاح سازوکارها برای کاهش آسیب‌پذیری آینده است. تاب‌آوری تنها بازگشت به وضعیت پیشین نیست، بلکه می‌تواند شامل یادگیری و تحول سازنده نیز باشد (Folke, 2006; Hallegatte, 2014).

پیام نوروزی به‌عنوان سند ظرفیت‌ساز نرم

در این چارچوب نظری، پیام‌های عمومی و فراگیر می‌توانند نقش «منابع نرم تاب‌آوری» را ایفا کنند. ادبیات تاب‌آوری اجتماعی نشان می‌دهد که معنابخشی، امید اجتماعی، انسجام و روایت مشترک، از عناصر کلیدی حفظ ثبات روانی و اجتماعی در بحران‌ها هستند (Norris et al., 2008). سرمایه اجتماعی، اعتماد و همبستگی ملی نیز از ارکان اصلی افزایش توان جمعی برای عبور از بحران محسوب می‌شوند (Putnam, 2000). تأکید بر امید، انسجام، مدیریت فضای اطلاعاتی، توجه به معیشت، مشارکت اجتماعی و نگاه تعاملی به محیط پیرامونی، همگی با مؤلفه‌های شناخته‌شده در ادبیات تاب‌آوری اجتماعی هم‌راستا هستند. چارچوب‌های حکمرانی تاب‌آور نیز بر نقش ارتباطات مؤثر، اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان در افزایش ظرفیت پاسخ‌گویی تأکید دارند (OECD, 2021).

در این میان، پیام نوروزی مقام معظم رهبری، به‌عنوان یک سند عمومی و فراگیر، حاوی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های ذهنی، اخلاقی، اجتماعی و مدیریتی است که می‌توانند به‌عنوان منبعی غنی برای ظرفیت‌سازی تاب‌آوری جمعی مورد استفاده قرار گیرند. این پیام، صرف‌نظر از جزئیات سیاسی و اجتماعی روزمره، بر اصول بنیادینی تأکید دارد که در تئوری‌های مدیریت بحران و جامعه‌شناسی تاب‌آوری، نقش محوری ایفا می‌کنند. این مؤلفه‌ها، که عمدتاً در حوزه‌ی «نرم» (Soft Power) قرار می‌گیرند، عبارتند از:

- تقویت روحیه امید و معنا: تبیین بحران‌ها در چارچوبی معنوی و تاریخی، و تأکید بر آینده‌ای روشن، می‌تواند امید را در جامعه زنده نگه دارد.

- انسجام و همبستگی اجتماعی: تأکید بر وحدت ملی، قدردانی از تلاش‌های جمعی و تشویق به همکاری، بنیان‌های تاب‌آوری اجتماعی را مستحکم می‌سازد.

- مدیریت فضای روانی و اطلاعاتی: هشدار نسبت به اثرات مخرب اطلاعات غلط و تأکید بر روایت‌سازی صحیح، به حفظ ثبات روانی جامعه کمک می‌کند.

- اولویت‌بخشی به اقتصاد و معیشت: توجه به نگرانی‌های مردم در حوزه اقتصاد و لزوم برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت معیشتی، یکی از پایه‌های اصلی تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی است.

- مشارکت و مسئولیت‌پذیری: تشویق به فعالیت‌های داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت فعال مردم را در حل مسائل و عبور از بحران‌ها رقم می‌زند.

- نگاه به محیط پیرامونی: تأکید بر روابط سازنده با همسایگان، به‌عنوان عاملی در جهت کاهش تنش‌های منطقه‌ای و افزایش ثبات عمومی.

بر این اساس، این گزارش سیاستی با اتکا به چارچوب‌های علمی تاب‌آوری اجتماعی و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و ارتباطی موجود، می‌کوشد مؤلفه‌های نرم و هنجاری مطرح‌شده را به سیاست‌های عملیاتی تبدیل کند؛ سیاست‌هایی که بتوانند به ارتقای ظرفیت جذب، حفظ کارکرد و بازیابی جامعه در برابر بحران‌های آینده کمک نمایند.

یافته‌ها: شش مؤلفه اصلی تاب‌آوری قابل استخراج از متن

پیام ارائه‌شده، مجموعه‌ای از واکنش‌ها، تأملات و توصیه‌ها در برابر سلسله‌ای از بحران‌های امنیتی، اجتماعی و اقتصادی در سال گذشته است و از خلال این روایت، شش مؤلفه اصلی تاب‌آوری جمعی قابل استخراج است. این عناصر در کنار هم تصویری چندلایه از نحوه مواجهه یک جامعه با فشارهای شدید و شوک‌های ناگهانی ارائه می‌کنند. هر مؤلفه نه تنها حامل مضمون اخلاقی یا فرهنگی است، بلکه مستقیماً قابل ترجمه به سیاست عمومی، طراحی سازوکارهای جمعی و تقویت ظرفیت ملی برای مواجهه با بحران‌هاست. در ادامه، هر یک از شش مؤلفه با اتکای مستقیم به گزاره‌های متن و در چارچوب نظریه‌های تاب‌آوری اجتماعی به تفصیل شرح داده می‌شود.

۱. معناسازی و امید

تبدیل بحران به تجربه‌ای مشترک و قابل مدیریت: در متن پیام، مجموعه بحران‌های امنیتی و فقدان‌های سنگین، نه به عنوان تهدیدهایی غیرقابل فهم، بلکه به عنوان بخش‌هایی از یک مسیر تاریخی، معنوی و مشترک روایت می‌شوند. این نوع روایت‌پردازی، بحران را از یک «رخداد فلج‌کننده» به «تجربه‌ای جمعی» تبدیل می‌کند که مردم در آن با هم سهیم هستند. برای نمونه، هنگامی که از سه جنگ پیاپی سخن گفته می‌شود، روایت به گونه‌ای تنظیم می‌گردد که هم عظمت واقعه نشان داده شود و هم نقش کنشگری مردم در مدیریت آن برجسته گردد. این نوع معنابخشی به جامعه کمک می‌کند تا بحران را خارج از کنترل خود نبیند، بلکه آن را به عنوان پدیده‌ای قابل فهم و قابل مواجهه درک کند. در علوم اجتماعی، این فرآیند از عناصر اصلی تثبیت «پایداری روانی» در بحران‌ها به شمار می‌رود.

تأکید بر نقش امید، معنویت و امنیت روانی: بخش‌هایی از پیام نوروزی که به ماه رمضان، لیلۃ‌القدر و دعا‌های مردم اشاره می‌کند، به وضوح نقشی معنوی برای عبور از بحران قائل است. وقتی خطاب می‌شود که «خداوند مهربان... یا عین آنچه سؤال قلبی شما بوده یا بهتر از آن را دریافت خواهید کرد»، اشاره‌ای مستقیم به سازوکار امیدبخشی جمعی ارائه می‌شود. در ادبیات تاب‌آوری، امید نقش کلیدی در جلوگیری از بروز یأس عمومی و فرسایش روانی دارد؛ جامعه‌ای که باور دارد آینده قابل اصلاح است، تمایل بیشتری برای مشارکت، همکاری و مقاومت در برابر فشارها نشان می‌دهد. نقش دیگر امید، کاهش استرس اجتماعی و جلوگیری از تخریب سرمایه اجتماعی است.

دعوت به نگاه خطی و رو به آینده: در بخش‌هایی از پیام، به‌ویژه آنجا که به «گشایش کلی»، «ظهور» یا «برکات آینده» اشاره می‌شود، سازوکار نگاه رو به آینده فعال می‌گردد. نگاه آینده‌محور یکی از بنیادی‌ترین عناصر تاب‌آوری اجتماعی است، زیرا جهت روانی جامعه را از گذشته و فقدان‌ها، به سمت حرکت و بازسازی سوق می‌دهد. این نگاه خطی، مانع از گرفتار شدن جامعه در چرخه‌های رکود روانی یا چرخه‌های بی‌افقی می‌شود و انرژی جمعی را برای بازسازی و اقدام بسیج می‌کند. معناسازی و امید در این پیام نه تنها به آرام‌سازی روانی محدود نمی‌شود، بلکه نوعی نیروی محرکه برای کنش جمعی ایجاد می‌کند. در واقع، امید در اینجا نقش یک «زیرساخت روانی» را دارد که بدون آن، سایر مؤلفه‌های تاب‌آوری - از انسجام تا مشارکت اجتماعی - به‌طور کامل شکل نمی‌گیرند.

۲. انسجام اجتماعی

تأکید بر وحدت میان گروه‌ها و اقوام: در پیام، بارها به «وحدت عجیب»، «انسجام بین ملت و حکمرانان» و «حضور یکپارچه مردم» اشاره شده است. این روایت از جامعه، فراتر از یک بیان عاطفی، نشان‌دهنده این است که تاب‌آوری بدون وجود پیوندهای اجتماعی قوی امکان‌پذیر نیست. وحدت نه به معنای یک‌دستی، بلکه حضور گروه‌های مختلف با تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و مذهبی در یک منظومه مشترک است. این تنوع همراه با همکاری، ظرفیت جامعه را برای تحمل فشارهای بزرگ افزایش می‌دهد، زیرا شبکه‌های انسانی، احساسی و نهادی بیشتری وارد عمل می‌شوند.

ارزش‌گذاری حضور مردم در میدان: در بخش‌هایی که از حضور مردم در میادین، مساجد، محلات و مناسبت‌های مختلف سخن گفته می‌شود، پیام بر نقش‌کنش فعال جامعه تأکید می‌کند. این حضور تنها یک واکنش احساسی نیست، بلکه نوعی تولید سرمایه اجتماعی است که در برابر بحران‌ها به‌عنوان سپری جمعی عمل می‌کند. حضور مردم در صحنه، بخشی از «تاب‌آوری کنشگرانه» است؛ جامعه نه منفعل، بلکه فعالانه در حل مسئله سهیم است.

تکریم خانواده‌ها و فرهنگ دید و بازدید: اشاره به خانواده‌های شهدا و همچنین توصیه به تداوم دید و بازدید نوروزی، نشان‌دهنده توجه پیام به «روابط خانوادگی و محلی» به‌عنوان ستون‌های انسجام اجتماعی است. در نظریه تاب‌آوری، روابط گرم میان خانواده‌ها و گروه‌های محلی موجب کاهش آسیب‌پذیری روانی و افزایش توان جامعه برای حمایت متقابل می‌شود. دید و بازدید، علاوه بر نقش سنتی، کارکردی روانی و ارتباطی دارد: تقویت حس پیوستگی، کاهش احساس تنهایی و حفظ شبکه‌های ارتباطی که در بحران ضروری‌اند.

انسجام اجتماعی در این متن، نه یک شعار، بلکه یک ابزار عملی برای کاهش ریسک و جذب فشارهای بحران است. جامعه‌ای که در آن افراد و گروه‌ها احساس هم‌سرنوشتی می‌کنند، به‌طور طبیعی در برابر فشارها مقاوم‌تر عمل می‌کند.

۳. مدیریت روایت و اطلاعات

هشدار نسبت به جنگ رسانه‌ای: در پیام، تصریح شده است که «عملیات رسانه‌ای» یک مسیر جدی تهدید است که می‌تواند وحدت و امنیت ملی را هدف بگیرد. این اشاره نشان‌دهنده اهمیت «جنگ ادراکی» در عصر حاضر است؛ بحرانی که نه در میدان فیزیکی، بلکه در ذهن و روان مردم رخ می‌دهد. در چنین جنگی، انتشار اخبار منفی یا گمراه‌کننده، می‌تواند احساس ناامنی را تشدید کرده و جایگاه دولت و جامعه را تضعیف کند.

توصیه به پرهیز از برجسته‌سازی نقاط ضعف: توصیه به رسانه‌های داخلی برای پرهیز از پرداختن به نقاط ضعف، از منظر تاب‌آوری اجتماعی، نوعی سیاست «مدیریت ریسک روانی» محسوب می‌شود. هدف، سانسور نیست؛ بلکه جلوگیری از ایجاد «اثر تجمعی» است که در آن، برجسته‌سازی مستمر مشکلات، افق روانی جامعه را تیره می‌کند. این رویکرد در نظریه ارتباطات بحران با عنوان «مدیریت بار ادراکی» شناخته می‌شود.

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) رهبری

تأکید بر روایت‌سازی از دستاوردها و روحیه جمعی: اشاره به حماسه‌های مردمی و موفقیت‌های میدانی، دارای کارکرد ساخت روایت‌های مقاومتی است. روایت‌هایی که توانایی دارند امید جمعی تولید کنند، انسجام را تقویت کنند و اجازه ندهند بحران، هویت اجتماعی را متلاشی کند. در چارچوب سیاست‌گذاری، این رویکرد به معنای ضرورت ایجاد «پیوست رسانه‌ای مقاومتی» در کنار تصمیمات اجرایی است. مدیریت اطلاعات یکی از اجزای بنیادین تاب‌آوری است، زیرا ادراک عمومی می‌تواند شدت یا ضعف بحران را تعیین کند. جامعه‌ای که روایت‌های خود را مدیریت می‌کند، بهتر می‌تواند از خود در برابر بی‌ثباتی ادراکی محافظت کند.

۴. تاب‌آوری اقتصادی

تأکید بر معیشت مردم و زیرساخت‌های زیستی: پیام در بخش اقتصادی خود نشان می‌دهد که اقتصاد صرفاً یک حوزه مالی یا مدیریتی نیست، بلکه ستون اصلی امنیت و تاب‌آوری ملی است. وقتی معیشت مردم تحت فشار باشد یا زیرساخت‌ها فرسوده شوند، بحران‌های اجتماعی و امنیتی به سرعت تشدید می‌شوند. اشاره به «دفاع و پیشروی در جنگ اقتصادی»، نشان‌دهنده اهمیت نگاه امنیت-اجتماعی به اقتصاد است.

اهمیت شنیدن صدای جامعه: نکته مهم پیام، اشاره به تجربه میدانی و شنیدن مستقیم سخنان مردم از طبقات مختلف است. این اقدام نه یک رفتار نمادین، بلکه یک سازوکار کلیدی در مدیریت اقتصادی مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی است. در تاب‌آوری اقتصادی، سیاست‌گذار باید از «بازخورد مستمر اجتماعی» بهره‌برد، تا بتواند راهکارهایی متناسب با نیازهای واقعی جامعه طراحی کند.

اشاره به برنامه‌ریزی علمی و نسخه‌های درمانی اقتصادی: متن به تلاش برای تدوین نسخه‌های کارشناسی اشاره می‌کند. این نکته اهمیت «خطمشی‌گذاری مبتنی بر شواهد» را برجسته می‌کند. تاب‌آوری اقتصادی بدون تحلیل‌های علمی، مدل‌سازی ریسک و طراحی برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت ممکن نیست. پیوند میان شنیدن صدای مردم و استفاده از تخصص علمی، مسیر اصلی ایجاد اقتصاد مقاومتی پویا است.

اقتصاد در این تحلیل، نه فقط یک بُعد از زندگی اجتماعی، بلکه ستون فقرات تاب‌آوری ملی است. بدون رفع آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، سایر ابعاد مقاومت جمعی نمی‌توانند به‌طور پایدار عمل کنند.

۵. مشارکت اجتماعی و داوطلبی

تشویق به همیاری، خدمات داوطلبانه و فعالیت مردمی: در پیام از افراد و گروه‌هایی تقدیر شده است که بدون الزام رسمی، خدمات مختلف ارائه می‌دهند. این کارکرد داوطلبانه، یک منبع مهم تولید ظرفیت جمعی است. در سیاست‌گذاری عمومی، حضور داوطلبان به معنای فعال شدن «ظرفیت پنهان جامعه» است که می‌تواند در بحران‌ها نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. تقویت سرمایه اجتماعی اعتماد و همکاری: هر کنش داوطلبانه، مقداری سرمایه اجتماعی تولید یا تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی، مجموعه روابط اعتماد، همکاری و شبکه‌های غیررسمی است که در بحران‌ها فعال شده و امکان واکنش سریع و

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) رهبری

کم‌هزینه را فراهم می‌کند. هنگامی که مردم به یکدیگر اعتماد می‌کنند، بحران‌ها را بهتر تحمل می‌کنند و آماده‌اند که در فرایند بازسازی مشارکت کنند. مشارکت داوطلبانه، یکی از پایدارترین و کم‌هزینه‌ترین منابع تاب‌آوری اجتماعی است. هیچ دولتی به تنهایی قادر نیست تمام ابعاد بحران را پوشش دهد، مگر اینکه جامعه نیز خود را در برابر سرنوشت جمعی مسئول بداند.

۶. همکاری منطقه‌ای

تأکید بر روابط سازنده با همسایگان؛ بخش خارجی پیام، به شکلی صریح نشان می‌دهد که ثبات داخلی ایران با ثبات منطقه‌ای گره خورده است. در نظریه‌های تاب‌آوری، «پیچیدگی سیستم‌ها» یکی از اصول کلیدی است؛ بحران‌ها به سادگی از یک مرز عبور می‌کنند و اثر می‌گذارند. بنابراین، همکاری با همسایگان یکی از راه‌های کاهش ریسک‌های فرامرزی است. هشدار نسبت به سوءبرداشت‌ها و اطلاعات غلط؛ اشاره به عملیات پرچم دروغین و تلاش برای ایجاد تفرقه میان کشورهای منطقه نشان می‌دهد که جنگ ادراکی فقط در داخل نیست، بلکه در سطوح منطقه‌ای نیز جریان دارد. تاب‌آوری منطقه‌ای نیازمند شفافیت، افزایش کانال‌های ارتباطی و جلوگیری از سوءبرداشت‌های راهبردی است. اهمیت همگرایی منطقه‌ای برای کاهش خطر؛ از منظر تاب‌آوری، کشورهایی که با یکدیگر شبکه‌های همکاری اقتصادی، امنیتی و فرهنگی دارند، به اندازه قابل توجهی در برابر تکانه‌ها مقاوم‌ترند. همکاری در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، تجارت، امنیت مرزی و بحران‌های محیط‌زیستی، موجب کاهش هزینه‌های بحران شده و ظرفیت‌های جمعی را افزایش می‌دهد. تاب‌آوری ملی بدون تاب‌آوری منطقه‌ای ناقص است. چنان‌که اقتصاد به جامعه داخلی قوام می‌دهد، شبکه همکاری منطقه‌ای نیز محیطی امن و قابل پیش‌بینی برای کشور فراهم می‌کند.

این شش مؤلفه—معناسازی و امید، انسجام اجتماعی، مدیریت روایت، تاب‌آوری اقتصادی، مشارکت اجتماعی و همکاری منطقه‌ای—در متن پیام نه به صورت پراکنده، بلکه در قالب یک منظومه یکپارچه ظاهر شده‌اند. هر مؤلفه به گونه‌ای طراحی شده است که بخشی از ظرفیت جمعی جامعه را فعال کند و همه آنها در کنار هم ساختار تاب‌آوری ملی را تشکیل می‌دهند. این تحلیل، پایه‌ای برای طراحی سیاست‌های اجرایی قدرتمند در حوزه تاب‌آوری اجتماعی و مدیریت بحران‌های آینده خواهد بود.

مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری	کدهای اولیه استخراج‌شده از متن	مضمون تحلیلی
معناسازی و امید	اشاره به تجربه مشترک بحران‌ها؛ تأکید بر دعا، معنویت و ماه رمضان؛ وعده گشایش و آینده بهتر	ایجاد چارچوب معنایی برای بحران و تقویت امید اجتماعی
انسجام اجتماعی	تأکید بر وحدت مردم؛ حضور گسترده اجتماعی؛ اهمیت خانواده‌ها و دید و بازدید	تقویت سرمایه اجتماعی و احساس هم‌سرنوشتی ملی
مدیریت روایت و اطلاعات	هشدار نسبت به عملیات رسانه‌ای؛ پرهیز از برجسته‌سازی نقاط ضعف؛ روایت دستاوردها	مدیریت ادراک عمومی و کنترل جنگ روایت‌ها
تاب‌آوری اقتصادی	توجه به معیشت مردم؛ شنیدن سخنان اقشار مختلف؛ تأکید بر برنامه‌ریزی علمی	پیوند اقتصاد با امنیت اجتماعی و پایداری ملی
مشارکت اجتماعی و داوطلبی	تقدیر از خدمات داوطلبانه؛ تشویق به همیاری اجتماعی	فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی در مدیریت بحران
همکاری منطقه‌ای	تأکید بر روابط سازنده با همسایگان؛ هشدار نسبت به سوءبرداشت‌ها؛ ضرورت همگرایی منطقه‌ای	پیوند تاب‌آوری ملی با ثبات منطقه‌ای

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) رهبری

توصیه‌های سیاستی

بر اساس تحلیل مضامین شش‌گانه استخراج‌شده از پیام و انطباق آن با ادبیات نظری تاب‌آوری اجتماعی، مجموعه‌ای از راهبردهای عملیاتی برای تقویت ظرفیت پایداری جامعه ایران در برابر بحران‌های احتمالی پیشنهاد می‌شود. تاب‌آوری اجتماعی به توانایی جوامع برای سازگاری، بازیابی و حتی بهبود عملکرد در مواجهه با شوک‌ها و تنش‌ها اشاره دارد و حاصل تعامل میان عوامل روانی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی است (Norris et al., 2008; Walker et al., 2004). از این منظر، سیاست‌های تقویت تاب‌آوری باید به‌صورت یک منظومه یکپارچه طراحی شوند تا بتوانند همزمان امنیت روانی، انسجام اجتماعی، ثبات اقتصادی و ظرفیت نهادی جامعه را ارتقا دهند (OECD, 2014).

۱. راهبرد «امنیت روانی»

امنیت روانی یکی از زیرساخت‌های اصلی کنش جمعی در شرایط بحران محسوب می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد جوامعی که از سرمایه روانی و امید اجتماعی بالاتری برخوردارند، در مواجهه با شوک‌ها توانایی سازگاری بیشتری دارند (Bonanno, 2004; Hobfoll, 2001). در مقابل، فرسایش روانی می‌تواند حتی در شرایط وجود منابع مادی کافی نیز توان مقابله با بحران را تضعیف کند. یکی از اقدامات مهم در این حوزه، تولید بسته‌های ارتباطی مبتنی بر امید اجتماعی است. امید در اینجا به معنای خوش‌بینی ساده‌انگارانه نیست، بلکه به مفهوم «عاملیت اجتماعی» اشاره دارد؛ یعنی این باور که جامعه قادر است بر سرنوشت خود اثر بگذارد. روایت صادقانه از تجربه‌های موفق عبور از بحران، برجسته‌سازی ظرفیت‌های واقعی کشور و معرفی الگوهای موفق در حوزه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به تقویت این احساس عاملیت کمک کند (Norris et al., 2008). اقدام دیگر، توسعه آموزش سواد رسانه‌ای برای مقابله با شایعات و اطلاعات نادرست است. در شرایط اشباع اطلاعاتی، اخبار جعلی و روایت‌های تحریف‌شده می‌توانند به‌سرعت به «واقعیت ادراک‌شده» تبدیل شوند و امنیت روانی جامعه را مختل کنند. آموزش مهارت‌هایی مانند تشخیص اخبار جعلی، تحلیل سوگیری رسانه‌ای و اعتبارسنجی منابع خبری می‌تواند آسیب‌پذیری جامعه در برابر عملیات روانی و جنگ روایت‌ها را کاهش دهد (OECD, 2017). همچنین پیشنهاد می‌شود اتاق تحلیل بحران روانی با مشارکت روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و متخصصان ارتباطات ایجاد شود. این ساختار می‌تواند با پایش مستمر افکار عمومی و تحلیل واکنش‌های اجتماعی به تحولات سیاسی و اقتصادی، به‌عنوان یک سامانه هشدار زودهنگام برای شناسایی تنش‌های اجتماعی عمل کند. چنین سازوکاری در مدیریت پیامدهای روانی بحران‌ها و طراحی سیاست‌های ارتباطی مؤثر نقش مهمی ایفا می‌کند (WHO, 2013).

۲. سیاست تقویت انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی به کیفیت پیوندها و تعاملات میان اعضای جامعه و میان مردم و نهادهای حاکمیتی اشاره دارد. در شرایط بحران، این پیوندها نقش «چسب اجتماعی» را ایفا کرده و از فروپاشی نظم اجتماعی جلوگیری می‌کنند (Chan et

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) بهری

(al.,2006). مطالعات سرمایه اجتماعی نیز نشان می‌دهد جوامعی که از شبکه‌های اعتماد و همکاری گسترده‌تری برخوردارند، در مواجهه با بحران‌ها عملکرد بهتری دارند (Putnam,2000). در این راستا، حمایت از برنامه‌هایی که تعاملات اجتماعی را افزایش می‌دهند اهمیت زیادی دارد. جشنواره‌های فرهنگی، فعالیت‌های ورزشی همگانی، آیین‌های مذهبی و برنامه‌های محلی می‌توانند بسترهایی برای افزایش تعاملات چهره‌به‌چهره و تقویت احساس تعلق اجتماعی فراهم کنند. این تعاملات، به‌ویژه در جوامع چندقومیتی، به کاهش سوءتفاهم‌ها و تقویت هویت جمعی کمک می‌کند. علاوه بر این، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی میان گروه‌های مختلف می‌تواند از فعال شدن گسل‌های اجتماعی در زمان بحران جلوگیری کند. ایجاد بسترهایی برای گفت‌وگو میان نخبگان، گروه‌های مدنی و نمایندگان اقشار مختلف جامعه به شکل‌گیری درک مشترک از منافع عمومی کمک کرده و فرآیند دستیابی به اجماع ملی را تسهیل می‌کند (Chan et al.,2006). همچنین حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند ظرفیت‌های اجتماعی برای مواجهه با بحران را افزایش دهد. این سازمان‌ها به‌عنوان حلقه واسط میان جامعه و حکومت، نقش مهمی در بسیج منابع اجتماعی و ارائه خدمات حمایتی دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد حضور فعال نهادهای مدنی می‌تواند سطح اعتماد اجتماعی و کارآمدی پاسخ به بحران را افزایش دهد (Aldrich,2012).

۳. مدیریت روایت و اطلاع‌رسانی

در جهان معاصر، بحران‌ها تنها در عرصه فیزیکی رخ نمی‌دهند، بلکه در میدان روایت‌ها و ادراکات عمومی نیز شکل می‌گیرند. توانایی مدیریت روایت و ارائه اطلاعات معتبر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ اعتماد عمومی و جلوگیری از گسترش اضطراب اجتماعی داشته باشد (OECD,2021). در این راستا، تدوین چارچوب اطلاع‌رسانی مسئولانه در شرایط بحران برای رسانه‌ها ضروری است. این چارچوب باید بر اصول سرعت، دقت و شفافیت استوار باشد و رسانه‌ها را به ارائه اطلاعات دقیق بدون ایجاد هراس عمومی هدایت کند. تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش داده و از گسترش شایعات جلوگیری کند (UNDRR,2015). همچنین ایجاد مرکز تحلیل روایت بحران می‌تواند به رصد و تحلیل جریان‌های اطلاعاتی در فضای مجازی و رسانه‌های بین‌المللی کمک کند. این مرکز با استفاده از ابزارهای داده‌کاوی می‌تواند روایت‌های غالب و ضدروایت‌ها را شناسایی کرده و با تولید محتوای مستند و اقناع‌کننده به مدیریت فضای افکار عمومی کمک کند. از سوی دیگر، شفافیت اطلاعاتی و مقابله با انتشار اطلاعات غیرمعتبر از الزامات مدیریت بحران است. دسترسی آزاد به داده‌های معتبر و انتشار آمار دقیق می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کرده و زمینه سوءاستفاده از اطلاعات نادرست را کاهش دهد (OECD,2014).

۴. تاب‌آوری اقتصادی جامعه

تاب‌آوری اقتصادی به توانایی خانوارها، بنگاه‌ها و اقتصاد ملی برای تحمل شوک‌های اقتصادی و بازگشت سریع به وضعیت تعادل اشاره دارد (Hallegatte, 2014). یکی از عناصر مهم این تاب‌آوری، وجود شبکه‌های حمایتی مؤثر برای کاهش آسیب‌های اقتصادی در زمان بحران است. در این زمینه، تمرکز بر معیشت خانوارها اهمیت اساسی دارد. ایجاد شبکه‌های امنیت اجتماعی، تقویت بیمه‌های بیکاری و حمایت از دسترسی پایدار به کالاهای اساسی می‌تواند فشار اقتصادی بر خانواده‌ها را کاهش دهد و ثبات اجتماعی را تقویت کند (Hallegatte, 2014). همچنین تقویت و احیای طبقه متوسط از عوامل کلیدی پایداری اجتماعی محسوب می‌شود. طبقه متوسط به دلیل نقش مهم در تولید سرمایه انسانی، نوآوری اقتصادی و مشارکت مدنی، یکی از ستون‌های اصلی ثبات اجتماعی به شمار می‌رود (Fukuyama, 1995). تضعیف این طبقه می‌تواند منجر به افزایش نابرابری و کاهش سرمایه اجتماعی شود. علاوه بر این، تنوع‌بخشی به منابع اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای آسیب‌پذیر می‌تواند اقتصاد را در برابر شوک‌های بیرونی مقاوم‌تر کند. طراحی سناریوهای پیشگیرانه برای مواجهه با بحران‌های اقتصادی و ایجاد ذخایر استراتژیک نیز از جمله راهبردهای مؤثر در این زمینه است (Martin & Sunley, 2015). در نهایت، مشارکت عمومی در طراحی سیاست‌های اقتصادی می‌تواند به افزایش مشروعیت و کارآمدی این سیاست‌ها کمک کند. استفاده از سازوکارهای مشورتی و نظرسنجی عمومی پیش از اجرای اصلاحات اقتصادی، احتمال پذیرش اجتماعی و موفقیت سیاست‌ها را افزایش می‌دهد.

۵. تقویت مشارکت اجتماعی

تاب‌آوری اجتماعی اغلب از سطح محلات و شبکه‌های اجتماعی محلی شکل می‌گیرد. شبکه‌های داوطلبی و روابط همسایگی می‌توانند نقش مهمی در پاسخ سریع به بحران‌ها ایفا کنند (Aldrich, 2012). در این راستا، توسعه شبکه‌های داوطلبی سازمان‌یافته اهمیت زیادی دارد. ایجاد زیرساخت‌های حقوقی و نهادی برای سازماندهی داوطلبان می‌تواند ظرفیت جامعه برای پاسخ به بحران‌های طبیعی و اجتماعی را افزایش دهد. همچنین حمایت از خدمات‌رسانی محلی و تمرکززدایی از مدیریت اجتماعی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری در سطح محلات کمک کند. تقویت نهادهای محلی و سازمان‌های اجتماعی محله‌محور موجب می‌شود جوامع محلی در شرایط بحران توانایی بیشتری برای مدیریت نیازهای فوری خود داشته باشند. افزون بر این، آموزش مهارت‌های مدیریت بحران به شهروندان مانند کمک‌های اولیه، مدیریت آتش‌سوزی و تخلیه اضطراری می‌تواند نقش مهمی در کاهش تلفات و افزایش هماهنگی اجتماعی در زمان بحران ایفا کند (UNDRR, 2015).

۶. همکاری منطقه‌ای برای کاهش تنش و ایجاد ثبات

تاب‌آوری ملی در خلأ شکل نمی‌گیرد و به میزان قابل توجهی تحت تأثیر محیط منطقه‌ای قرار دارد. همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش ظرفیت مدیریت بحران‌های مشترک کمک کند (OECD, 2021). یکی از مسیرهای

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) رهبری

مهم در این زمینه، تقویت دیپلماسی عمومی و همکاری‌های غیرسیاسی با کشورهای همسایه است. تبادلات فرهنگی، علمی و اقتصادی می‌تواند شبکه‌ای از منافع مشترک ایجاد کند که به ثبات منطقه‌ای کمک می‌کند. همچنین ایجاد سازوکارهای مشترک مدیریت بحران‌های فرامرزی مانند بحران‌های زیست‌محیطی، اپیدمی‌ها و بلایای طبیعی می‌تواند همکاری‌های فنی میان کشورها را تقویت کند. تبادل داده‌های علمی و اجرای مانورهای مشترک امداد و نجات از جمله اقدامات مؤثر در این زمینه است. در نهایت، توسعه دیپلماسی بحران و ایجاد کانال‌های ارتباطی مستقیم میان دولت‌ها می‌تواند از بروز سوءبرداشت‌ها در شرایط تنش جلوگیری کند. ارتباطات مستقیم و شفاف میان کشورها در زمان بحران، احتمال تشدید تنش‌ها و شکل‌گیری درگیری‌های ناخواسته را کاهش می‌دهد. در مجموع، اجرای این توصیه‌ها زمانی بیشترین اثرگذاری را خواهد داشت که به‌عنوان یک بسته سیاستی منسجم در نظر گرفته شوند. پیوند میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی و نهادی، جوهر اصلی تاب‌آوری ملی است و سیاست‌گذاری مؤثر باید این ابعاد را به‌صورت همزمان مورد توجه قرار دهد (Norris et al., 2008).

کاربردها و دلالت‌های سیاستی گزارش برای سازمان اداری و استخدامی کشور

به‌عنوان نهاد متولی نظام اداری، سرمایه انسانی دولت و اصلاح ساختارهای سازمانی، سازمان اداری و استخدامی کشور نقشی محوری در ارتقای تاب‌آوری حکمرانی دارد. هرچند گزارش حاضر بر «تاب‌آوری اجتماعی» تمرکز دارد، اما تحقق عملی آن بدون وجود یک نظام اداری چابک، هماهنگ، شفاف و برخوردار از سرمایه انسانی توانمند ممکن نیست. بنابراین این گزارش برای سازمان اداری و استخدامی صرفاً یک متن تحلیلی نیست، بلکه می‌تواند مبنایی برای بازنگری در سیاست‌های منابع انسانی، ساختار سازمانی، نظام ارزیابی عملکرد و آموزش مدیران دولت باشد.

۱. تاب‌آوری اجتماعی از مسیر تاب‌آوری اداری

نخستین درس کلیدی این گزارش برای سازمان آن است که تاب‌آوری اجتماعی در نهایت از مسیر تاب‌آوری نظام اداری عبور می‌کند. در شرایط بحران، این دستگاه‌های اجرایی هستند که باید خدمات عمومی را بدون وقفه ارائه دهند، اطلاع‌رسانی هماهنگ داشته باشند، از بروز تعارض‌های نهادی جلوگیری کنند و اعتماد عمومی را حفظ نمایند. اگر ساختار اداری شکننده، کند یا ناهماهنگ باشد، حتی بهترین سیاست‌های اجتماعی نیز به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. از این منظر، سازمان اداری و استخدامی می‌تواند با بازتعریف شاخص‌های ارزیابی دستگاه‌ها، «چابکی سازمانی»، «سرعت تصمیم‌گیری»، «هماهنگی میان‌بخشی» و «پایداری ارائه خدمات در شرایط بحران» را به‌عنوان معیارهای اصلی عملکرد وارد نظام ارزیابی کند.

۲. مدیریت سرمایه انسانی به‌مثابه ستون امنیت روانی

یکی از محورهای اصلی گزارش، تقویت امنیت روانی و امید اجتماعی است. این هدف در سطح دولت، از طریق رفتار و عملکرد کارکنان و مدیران محقق می‌شود. کارمندانی که از ثبات شغلی، عدالت اداری، شفافیت ارتقای شغلی و نظام انگیزشی

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) رهبری

مناسب برخوردار باشند، خود به عامل انتقال آرامش و اعتماد در جامعه تبدیل می‌شوند. درس مهم برای سازمان این است که اصلاح نظام پرداخت، ارتقای شفافیت در انتصابات، و تقویت شایسته‌سالاری نه تنها اصلاحات اداری، بلکه ابزار تقویت سرمایه اجتماعی هستند. هرگونه احساس تبعیض یا بی‌عدالتی در بدنه دولت می‌تواند مستقیماً بر اعتماد عمومی اثر منفی بگذارد. بنابراین سیاست‌های منابع انسانی باید با نگاه «اثر اجتماعی» طراحی شوند، نه صرفاً با رویکرد اداری.

۳. ضرورت آموزش مدیران در حوزه مدیریت بحران و روایت

گزارش نشان داد که مدیریت روایت و اطلاع‌رسانی مسئولانه نقش کلیدی در تاب‌آوری دارد. در ساختار اداری کشور، مدیران دستگاه‌ها اولین حلقه مواجهه با افکار عمومی در بحران‌ها هستند. اگر این مدیران فاقد مهارت‌های ارتباطی، سواد رسانه‌ای و مدیریت بحران باشند، پیام‌های متناقض و غیرهماهنگ می‌تواند اعتماد عمومی را کاهش دهد. از این‌رو، سازمان اداری و استخدامی می‌تواند آموزش‌های تخصصی «رهبری در شرایط بحران»، «مدیریت ارتباطات عمومی» و «تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت» را به عنوان دوره‌های الزامی برای مدیران میانی و ارشد طراحی کند. همچنین تدوین دستورالعمل‌های یکپارچه برای اطلاع‌رسانی اداری در شرایط بحرانی می‌تواند بخشی از نقش تنظیم‌گری این سازمان باشد.

۴. بازنگری در ساختارهای بوروکراتیک برای افزایش چابکی

یکی از چالش‌های نظام اداری در شرایط بحران، پیچیدگی و تمرکز بیش از حد فرآیندهاست. گزارش بر ضرورت «واکنش سریع» و «انعطاف‌پذیری نهادی» تأکید دارد. این امر مستلزم کاهش لایه‌های زائد تصمیم‌گیری، تفویض اختیار به سطوح محلی و ایجاد سازوکارهای هماهنگی میان‌بخشی است. سازمان اداری و استخدامی می‌تواند با انجام مطالعات تطبیقی، الگوی «مدیریت چابک در بخش عمومی» را طراحی و به دستگاه‌ها ابلاغ کند. همچنین بازنگری در مقرراتی که مانع تصمیم‌گیری سریع در بحران می‌شوند، یکی از کارکردهای کلیدی این سازمان در تقویت تاب‌آوری حکمرانی است.

۵. استقرار نظام ارزیابی مبتنی بر شاخص‌های تاب‌آوری

در پایش، مدل سه‌سطحی ورودی-خروجی-پیامدی پیشنهاد می‌شود. این چارچوب می‌تواند مبنایی برای اصلاح نظام ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد. برای مثال، علاوه بر شاخص‌های کمی معمول، می‌توان معیارهایی مانند: میزان تداوم ارائه خدمات در شرایط بحران، رضایت عمومی از پاسخ‌گویی اداری، میزان هماهنگی میان دستگاه‌ها، سطح اعتماد کارکنان به مدیریت سازمان را وارد نظام سنجش کرد. با این اقدام، مفهوم تاب‌آوری از یک مفهوم نظری به یک معیار اجرایی در ارزیابی عملکرد دولت تبدیل خواهد شد.

تقویت تاب‌آوری جامعه ایران در شرایط بحران: دلالت‌های پیام نوروزی (۱۴۰۵) رهبری

۶. تقویت سرمایه اجتماعی درون‌سازمانی

یکی از مضامین گزارش، انسجام اجتماعی به‌عنوان چسب جامعه است. این مفهوم در سطح دولت نیز معنا دارد. هماهنگی میان دستگاه‌ها، اعتماد متقابل میان مدیران و همکاری بین‌بخشی پیش‌شرط موفقیت هر سیاست عمومی است. سازمان اداری و استخدامی می‌تواند با طراحی سازوکارهای تعامل بین‌دستگاهی، ایجاد بانک تجربه‌های موفق مدیریتی، و توسعه شبکه‌های یادگیری میان مدیران، سرمایه اجتماعی درون‌دولتی را تقویت کند. چنین اقدامی احتمال تعارض نهادی و دوباره‌کاری را کاهش داده و پاسخ‌گویی دولت را منسجم‌تر می‌کند.

۷. پیوند اصلاحات اداری با اعتماد عمومی

یکی از پیام‌های ضمنی گزارش آن است که اعتماد عمومی مهم‌ترین دارایی اجتماعی در بحران‌هاست. سازمان اداری و استخدامی می‌تواند با تقویت شفافیت، مقابله با فساد اداری، و تسهیل دسترسی مردم به خدمات الکترونیک، به افزایش اعتماد عمومی کمک کند. گسترش دولت هوشمند، کاهش مراجعه حضوری، و کوتاه‌سازی فرآیندهای اداری نه‌تنها بهره‌وری را افزایش می‌دهد، بلکه تجربه شهروندان از تعامل با دولت را بهبود می‌بخشد. این تجربه مثبت، سرمایه اجتماعی دولت را تقویت می‌کند.

۸. نهادینه‌سازی «رویکرد تاب‌آوری» در اصلاحات اداری

مهم‌ترین کاربرد این گزارش برای سازمان، تبدیل «تاب‌آوری» به یک اصل راهبردی در سیاست‌های اصلاح نظام اداری است. هرگونه بازطراحی ساختار، تدوین آیین‌نامه استخدامی، یا اصلاح نظام پرداخت باید با این پرسش همراه باشد: آیا این تصمیم، توان دولت را برای مواجهه با بحران‌های آینده افزایش می‌دهد یا کاهش می‌دهد؟ اگر تاب‌آوری به معیار ثابت ارزیابی سیاست‌های اداری تبدیل شود، نظام اداری کشور به‌تدریج از یک ساختار صرفاً اجرایی به یک ساختار یادگیرنده و انطباق‌پذیر ارتقا خواهد یافت.

برای سازمان اداری و استخدامی کشور، این گزارش یک چارچوب راهبردی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد تقویت تاب‌آوری اجتماعی بدون اصلاح و توانمندسازی نظام اداری ممکن نیست. درس اصلی آن است که سرمایه انسانی دولت، چابکی ساختاری، شفافیت، آموزش مدیران و نظام ارزیابی عملکرد، ابزارهای کلیدی تحقق امنیت روانی، انسجام اجتماعی و پایداری اقتصادی هستند. بنابراین، سازمان می‌تواند با اتخاذ رویکرد تاب‌آوری در سیاست‌های منابع انسانی و اصلاحات اداری، نقشی تعیین‌کننده در افزایش ظرفیت ملی برای مدیریت بحران‌های آینده ایفا کند. در این چارچوب، نظام اداری نه‌تنها مجری سیاست‌ها، بلکه خود بخشی از راه‌حل تقویت پایداری و ثبات اجتماعی کشور خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این گزارش با تمرکز بر تحلیل علمی و سیاستی مضامین پیام نوروزی، نشان داد که این متن - فراتر از جنبه‌های آیینی و فرهنگی خود - حاوی مؤلفه‌های قابل‌تبدیل به اصول سیاست‌گذاری اجتماعی است. پیام نوروزی دربردارنده مجموعه‌ای از نشانه‌ها، توصیه‌ها و جهت‌گیری‌هاست که اگر با رویکردی نظام‌مند تحلیل شوند، می‌توانند بنیان یک مدل تاب‌آوری بومی برای جامعه ایران را فراهم کنند. در شرایطی که کشور با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی توأمان روبه‌روست، وجود چنین چارچوبی برای انسجام بخشیدن به اقدام‌ها و هماهنگی میان نهادهای مختلف اهمیت راهبردی دارد. در این تحلیل، مضامین پیام در قالب شش محور اصلی دسته‌بندی و به زبان سیاست عمومی ترجمه شدند: معناسازی و امید، انسجام اجتماعی، مدیریت روایت، تاب‌آوری اقتصادی، مشارکت اجتماعی، و همکاری منطقه‌ای. هر یک از این مؤلفه‌ها به منزله ستون‌هایی هستند که بر سطح روانی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی جامعه اثر می‌گذارند. بر این اساس، گزارش نشان داد که امید و معناسازی، به‌ویژه از طریق ایجاد چشم‌انداز مثبت جمعی، نخستین گام در تقویت تاب‌آوری روانی است؛ انسجام اجتماعی نیز نقش چسب همبستگی را دارد که جامعه را از فروپاشی در برابر بحران‌ها حفظ می‌کند. از سوی دیگر، مدیریت روایت و اطلاع‌رسانی مسئولانه، سپر محافظ امنیت روانی است که از تشدید ترس و اضطراب عمومی جلوگیری می‌کند.

در سطح اقتصادی، تأکید گزارش بر تاب‌آوری معیشتی بود؛ زیرا بدون پایداری اقتصادی، دیگر مؤلفه‌های تاب‌آوری پایدار نخواهند ماند. سیاست‌های پیشنهادی در این حوزه بر حفظ طبقه متوسط، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر اقتصادی متمرکز است. در کنار این، مشارکت اجتماعی محور پویایی جمعی محسوب می‌شود. وقتی افراد احساس کنند در تصمیم‌گیری‌ها سهیم‌اند و نقش آنان در بهبود وضعیت جامعه جدی گرفته می‌شود، حس تعلق و اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد. همکاری منطقه‌ای نیز به‌عنوان محیط بیرونی تاب‌آوری مورد توجه قرار گرفت؛ زیرا ثبات و امنیت در سطح منطقه‌ای مستقیماً بر پایداری درونی جامعه اثرگذار است. نقشه راه اجرایی ارائه‌شده در گزارش نشان می‌دهد که تاب‌آوری اجتماعی باید در سه مرحله پیاده شود: واکنش سریع، گسترش اجتماعی، و نهادینه‌سازی. در مرحله واکنش سریع، هدف ایجاد هماهنگی نهادی و اطلاع‌رسانی شفاف است. در مرحله دوم، راهبردها باید در سطح محله و جامعه مدنی گسترش یابند تا مشارکت مردم به‌صورت عملی تحقق پیدا کند. مرحله سوم بر تثبیت نهادهای تاب‌آوری، نظام پایش و ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای تمرکز دارد. در بخش شاخص‌های پایش، مدل سه‌سطحی ورودی-خروجی-پیامدی طراحی شد تا بتوان هم منابع اختصاص‌یافته، هم نتایج اجرایی و هم تأثیرات واقعی بر جامعه را ارزیابی کرد. این نظام پایش موجب می‌شود تغییرات اجتماعی به‌طور مستمر رصد شده و سیاست‌ها براساس داده‌های واقعی اصلاح شوند. در نهایت، پیام اصلی گزارش این است که امید، انسجام اجتماعی و عقلانیت رسانه‌ای سه محور بنیادین تاب‌آوری جامعه ایران هستند. اگر این عناصر در سیاست‌های عمومی به‌صورت هم‌افزا به کار گرفته شوند، قدرت انطباق و بازسازی جامعه در برابر بحران‌های آینده افزایش خواهد یافت. بنابراین، پیام نوروزی را می‌توان نه صرفاً یک بیانیه فرهنگی، بلکه یک منبع سیاستی دانست که با ترجمه دقیق و علمی، قابلیت تبدیل به نقشه راه ملی مدیریت بحران را دارد. چنین نگاهی، حرکت از سطح شعار به سطح اجراء است؛ جایی که معنا، عمل و پایداری اجتماعی به هم می‌رسند تا جامعه‌ای مقاوم، امیدوار و سازگار ساخته شود.

منابع:

- Adger, W. N. (2000). Social and ecological resilience: Are they related? *Progress in Human Geography*, 24(3), 347–364.
- Aldrich, D. P. (2012). Building resilience: Social capital in post-disaster recovery. Chicago: University of Chicago Press.
- Bonanno, G. A. (2004). Loss, trauma, and human resilience. *American Psychologist*, 59(1), 20–28.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.
- Chan, J., To, H.-P., & Chan, E. (2006). Reconsidering social cohesion. *International Journal of Social Policy*, 26(3–4), 273–302.
- Folke, C. (2006). Resilience: The emergence of a perspective for social–ecological systems. *Global Environmental Change*, 16(3), 253–267.
- Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. Free Press.
- Gallopin, G. C. (2006). Linkages between vulnerability, resilience, and adaptive capacity. *Global Environmental Change*, 16(3), 293–303.
- Hallegatte, S. (2014). *Economic resilience: Definition and measurement*. World Bank.
- Hobfoll, S. E. (2001). The influence of culture, community, and the nested-self in the stress process. *Applied Psychology*, 50(3), 337–421.
- IPCC. (2022). *Sixth assessment report (AR6): Impacts, adaptation and vulnerability*.
- Madani, K. (2014). Water management in Iran: What is causing the looming crisis? *Water Policy*, 16(3), 447–461.

- Martin, R., & Sunley, P. (2015). On the notion of regional economic resilience. *Journal of Economic Geography*, 15(1), 1–42.
- Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K., & Pfefferbaum, R. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, and set of capacities. *American Journal of Community Psychology*, 41, 127–150.
- OECD. (2014). *Guidelines for resilience systems analysis*.
- OECD. (2017). *States of fragility report*.
- OECD. (2021). *Government resilience in times of crisis*.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
- UNDRR. (2015). *Sendai framework for disaster risk reduction 2015–2030*.
- WHO. (2013). *Building back better: Sustainable mental health care after emergencies*.
- Walker, B., Holling, C. S., Carpenter, S., & Kinzig, A. (2004). Resilience, adaptability and transformability. *Ecology and Society*, 9(2), 5.